



انتخاب رهبر در نظام جمهوری اسلامی ایران، بی‌گمان مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین رویداد سیاسی در حیات این نظام به‌شمار می‌آید. این انتخاب هرگز در قالب یک فرایند صرفاً حقوقی و تشریفاتی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه تجلی عینی نظریهٔ «ولایت فقیه» به‌عنوان بنیادی‌ترین رکن اندیشه سیاسی شیعه در عصر غیبت است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبلور یافته و نظام سیاسی را بر محوریت فقیهی جامع‌الشرایط استوار ساخته است. بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی، وظیفه خَیَر انتخاب، نصب و نظارت بر رهبری بر عهده مجلس خبرگان رهبری نهاده شده‌است؛ نهادی که خود از فقیهانی واجد شرایط تشکیل می‌شود و اعضای آن، با رأی مستقیم مردم برای دوره‌های هشت‌ساله انتخاب می‌شوند.

با شهادت مظلومانه آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای‎[ⓘ] – که در پی جنگ تمام‌عیار و همه‌جانبه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه تمامیت ارضی و استقلال جمهوری اسلامی ایران و بر اثر بمباران هوایی بیت رهبری، به شهادت نائل آمدند - مجلس خبرگان رهبری با درک عمیق از

• **اول: زمینه‌های علمی، تربیتی و خانوادگی**

بر اساس اصل ۱۰۹ قانون اساسی، رهبر انقلاب اسلامی باید دارای صلاحیت‌های علمی و اجتهاد در فقه و اصول، عدالت و تقوا، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری باشد. بررسی جامع شخصیت علمی، اخلاقی و مدیریتی آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای نشان می‌دهد که ایشان واجد همه این شرایط در ترازِ عالی هستند.

در ادامه، ابعاد زمینه‌ای این شایستگی‌ها را که ریشه در تربیت دیرینه و همراهی بی‌واسطه با مکتب و منهج رهبری شهید دارد، مرور می‌کنیم:

۱. **شاگردی ممتاز و بی‌واسطه در مکتب پدر؛ آشنایی عمیق با دانش اداره انقلاب**

مهم‌ترین عاملی که آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای را در کانون توجه و اعتماد خبرگان قرار داد، بهره‌مندی ایشان از فرصت استثنایی و تکرارنشده‌ی سی‌وهفت سال شاگردی، هم‌نشینی و همراهی بی‌واسطه با رهبر شهید‎[ⓘ] بود. رهبری در نظام جمهوری اسلامی هرگز به یک منصب سیاسی صرف یا جایگاهی تشریفاتی محدود نمی‌شود؛ بلکه نوعی «دانش مدیریت جهادی» و «استنباط فقه در تراز اداره حکومت» است که در دل تجربه عملی، مواجهه با مسائل مستحدثه و کاربست مفاهیم انتزاعی فقهی و اصولی در عرصه‌های پیچیده اجتماع، اقتصاد، سیاست و جنگ، شکل می‌گیرد و تنها از رهگذر سال‌ها مشاهده، مشارکت و تأمل در کنار رهبری کارآزموده و صاحب‌تدبیر، قابل اکتساب است.

آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای برخلاف دیگر گزینه‌های محتمل که هریک در بخشی از عرصه‌های علمی، اجرایی یا نظامی سابقه داشتند، از این فرصت کم‌نظیر و بی‌بدیل بهره‌مند شدند. ایشان از نزدیک و در طول بیش از سه‌دهه، شاهد چالش‌های متعدد و پیچیده‌ای بودند که نظام با آنها روبه‌رو بوده است؛ از دوران دفاع مقدس و مدیریت بحران‌های جنگی تا دوره بازسازی و سازندگی، از جریان‌های فتنه‌آمیز داخلی و اصلاحات و انحرافی تا مواجهه با تحریم‌های فلج‌کننده و جنگ اقتصادی و از مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و حضور مستشاری در محور مقاومت تا مرحله نبرد تمام‌عیار با آمریکا و صهیونیسم که به شهادت پدر بزرگوارشان انجامید.

این «تجربه زیسته» و «حضور مستمر» در کنار رهبری شهید، به ایشان بصیرتی عمیق و نافذ نسبت به ظرایف، پیچیدگی‌ها

تبیین جامع علل تعیین حضرت آیت‌الله امام سیدمجتبی خامنه‌ای به رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران

مسئولیت تاریخی خویش و شرایط خطیر نبرد و تهدیدات همه‌جانبه دشمن، با رأیی قاطع و دور از هرگونه حاشیه، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای را به‌عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی ایران برگزید.

این انتخاب شایسته و مدّثرانه، در میانه جنگ و در زمانه‌ای بسیار حساس و پیچیده شکل گرفت که دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی با همراهی برخی دولت‌های مرتجع منطقه، زیرساخت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران را هدف قرار داده بودند و مراکز رأی‌گیری و تجمعات عمومی و از جمله محل برگزاری جلسات خبرگان، مستمراً در معرض بمباران و تهدیدات تروریستی قرار داشت. با این همه، خبرگان ملت با شجاعتی کم‌نظیر و با درک عمیق از مقتضیات زمان، از میان چندین فقیه واجد شرایط، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای را به‌عنوان شخصیتی جامع‌الشرایط و دارای ویژگی‌های برجسته برای رهبری انقلاب اسلامی تعیین کردند.

این انتخاب هوشمندانه و دقیق که با استقبال کم‌نظیر و فراگیر مردم شریف ایران مواجه شد و موجی از خشم و غضب را در اردوگاه دشمنان انقلاب برانگیخت، محصول درک و

ولایه‌های پنهان حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی بخشیده است. به‌تعبیر دقیق‌تر، ایشان نه‌تنها متون درسی و نظریات علمی فقه و اصول را فرافارگفته‌اند، بلکه «فقه ناظر به حل معضلات نظام» و «حکمت مدیریت» را در محضر استادی کارآزموده و مجاهد آموخته‌اند. این ویژگی، برای خبرگانی که وظیفه تعیین رهبری در میانه جنگ و با هدف حفظ و تداوم انسجام راهبردی نظام را بر عهده داشتند، عاملی تعیین‌کننده و غیرقابل چشم‌پوشی بود؛ درواقع، با انتخاب ایشان، خبرگان اطمینان حاصل کردند که همان منطق، همان نگاه و همان روشی که نظام را از گردنه‌های سخت تاریخی عبور داده است، در جایگاه رهبری تداوم خواهد یافت و این نویدی بود برای حفظ سرمایه‌های عظیم انقلاب که با خون شهیدان و تدبیر رهبری شهید به ثمر نرسفته بود.

۲. **قرابت نسبت به اوصاف امام شهید‎[ⓘ]**

معیارهای رهبری و صلاحیت‌های مندرج در قانون اساسی، هرگز در متون و کتب درسی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه این اوصاف می‌بایست در «وجود عینی» و «سیره عملی» فرد متجلی و مشهود باشد تا بتوان بر تحقق آنها در مقام عمل اطمینان یافت. بر اساس گواهی‌های متعدد و شهادت‌های مکرر اطرافیان، شاگردان و کسانی که با ایشان در ارتباط نزدیک و طولانی مدت بوده‌اند، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، نزدیک‌ترین شخص به سجایای اخلاقی، اوصاف مدیریتی و ویژگی‌های رفتاری پدر شهیدشان، حتی در میان برادران خود، به‌شمار می‌روند.

این ادعا، فراتر از یک نسبت خویشاوندی یا بزرگنمایی عاطفی، بر پایه مشاهده عینی و مستمر ویژگی‌های بارزی چون تدبیر و دوراندیشی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی، شجاعت و جسارت در مواجهه با خطرات و تهدیدات، ساده‌زیستی و دوری از هرگونه تجمل‌گرایی، عدالت‌محوری و انصاف و داوری و برخورد با کارگزاران، روحیه انقلابی و پایبندی به آرمان‌ها و تواضع و فروتنی در برابر مردم استوار شده است.

به‌عنوان نمونه، خانم مرضیه وحید دستجردی (پزشک زایمان خانوادگی ایشان) در نقلی که از قول یکی از برادران آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، به‌صراحت بر شباهت بسیار این برادر با پدر شهیدشان – در رفتار، منش و سلوک فردی و اجتماعی – نسبت به سایر برادران تصریح کرده‌اند. این نزدیکی سیره و روش، برای خبرگان که به دنبال تداوم مسیر انقلاب، پایداری بر اصول و حفظ سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی به نظام بودند، یک مزیت حیاتی، استثنایی و غیرقابل اغماض محسوب می‌شد که در هیچ‌یک از گزینه‌های دیگر به این جامعیت و به این روشنی

بصیرت خبرگان نسبت به اوصاف و ویژگی‌های ممتاز ایشان بود. علل و عواملی که این انتخاب را توجیه و تبیین می‌کند، علاوه بر احراز شرط اجتهاد در ایشان (ناظر به دو دهه تدریس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم)، در چهار سطح قابل دسته‌بندی است: عوامل زمینه‌ای (شامل سوابق علمی، تربیتی و خانوادگی)، عوامل شخصیتی (شامل روحیات، منش و رفتار فردی)، عوامل راهبردی و اقتضانات زمانه (ناظر به شرایط جنگی و ضرورت تداوم مدیریت) و عوامل فراساختاری یافت نمی‌شد.

• **دوم: ویژگی‌های رفتاری، شخصیتی و سیاسی**

ساختار شخصیتی و ویژگی‌های رفتاری یک رهبر، در کنار دانش و تجربه، نقشی بی‌بدیل در کارآمدی و موفقیت او در مدیریت کلان جامعه دارد. در ادامه به دو ویژگی محوری شخصیتی و سیاسی آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای (یعنی روحیه انقلابی و ارتباط نهادینه با ارکان نظام) اشاره می‌شود.

۱. **روحیه انقلابی و پایداری بر اصول در عین عقلانیت**

«روحیه انقلابی» در قاموس اندیشه سیاسی امام شهید‎[ⓘ]، مفهومی بسیار دقیق و عمیق است که هرگز به شعارزدگی، تندروی یا عمل‌گرایی بی‌ضابطه فروکاسته نمی‌شود؛ بلکه به‌معنای پایبندی راسخ و آگاهانه به آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی، ایستادگی قاطع و عزتمندانه در برابر نظام سلطه و استکبار جهانی، هوشیاری و بیداری در برابر توطئه‌های نرم و سخت دشمن و عدم غفلت از وظایف اسلامی، انقلابی و ملی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی است. شواهد متعدد، گواهان آگاه و قرائن فراوان نشان می‌دهند که آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای همواره بر این گفتمان و رویه تأکید و تمسک داشته‌اند و در کشاکش ماجراهای فراوان سه‌دهه گذشته، دچار نوسان یا انحراف از خطّ اصیل انقلاب نشده‌اند.

تحلیل دقیق شخصیت ایشان نشان می‌دهد که در دوران پرتلهاب و سرنوشت‌ساز شکل‌گیری هویت سیاسی و فکری خود در سه‌دهه گذشته، شخصیتی متوازن و استوار در ایشان ساخته شد که نه در دام افراط‌گری و شتاب‌زدگی می‌افتد و نه از اصول و مبانی بنیادین انقلاب فاصله می‌گیرد. این اعتدال انقلابی – که آن را می‌توان «عقلانیت انقلابی» نامید – از جمله ویژگی‌های کم‌نظیر و در عین حال ضروری برای رهبری در شرایط خطیر و پیچیده پس از شهادت رهبری بود؛ شرایطی که جامعه و نظام پیش از هر زمان دیگر نیازمند جنگ‌زدن به اصول ثابت و در عین حال بهره‌گیری از تدبیر و دوراندیشی برای عبور از گرداب‌های فتنه‌آمیز و دشمن‌افکن بود.

۲. **ارتباط نهادینه و مستمر با ارکان نظام**

به‌ویژه نهادهای نظامی و امنیتی

یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین ابعاد رهبری در جمهوری اسلامی ایران، مدیریت هماهنگ، منسجم و متقن نهادهای متنوع نظام (اعم از قوای سه‌گانه، نهادهای انقلابی، نیروهای مسلح، دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی و شبکه گسترده نهادهای فرهنگی و مردمی) در چهارچوب یک ساختار منسجم



(شامل جایگاه ایشان در جبهه‌بندی دوستان و دشمنان)، این نوشتار با رویکردی تحلیلی به تبیین هریک از این علل و عوامل فوق می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه مجموع این مؤلفه‌ها، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای را نه صرفاً به‌عنوان فرزند رهبر شهید و نه صرفاً به‌عنوان یک گزینه محتمل در میان فقیهان واجد شرایط، بلکه به‌عنوان شخصیتی «اصلح» و مناسب برای جایگاه رهبری نظام جمهوری اسلامی در عصر حاضر، «متعیّن» دانسته‌اند.

و مبتنی بر اصل ولایت فقیه است. از این میان، فرماندهی کل قوا و مدیریت راهبردی نیروهای مسلح در شرایط جنگی و بحران‌های امنیتی، بی‌گمان یکی از سنگین‌ترین و حیاتی‌ترین وظایف رهبر محسوب می‌شود. هرگونه خلأ، ناهماهنگی یا عدم اعتماد میان فرماندهی معظم و نیروهای نظامی، می‌تواند در شرایط حساس، پیامدهای جبران‌ناپذیری به‌همراه داشته باشد. آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، به‌دلیل سال‌ها حضور مستمر و دلسوزانه در کنار رهبر شهید، مشارکت در جلسات راهبردی و آگاهی عمیق از شبکه‌های ارتباطی، سلسله‌مراتب فرماندهی و فرایندهای تصمیم‌گیری درون‌ساختاری نظام، از این بستر پیچیده و حیاتی به‌خوبی آگاهی و اشراق داشتند. این ارتباط و آگاهی، هرگز از سر سلطه‌جویی، قدرت‌طلبی یا دخالت‌گری بی‌ضابطه نبود؛ بلکه مبتنی بر شناخت متقابل، اعتماد دیرینه و کارکردی بود که در طول دهه‌ها و در بستر بحران‌ها و برهه‌های سرنوشت‌ساز، میان ایشان و فرماندهان، مدیران ارشد و مسئولان کلیدی نظام شکل گرفته بود.

حضور مؤثر، کم‌صدا، اما تعیین‌کننده ایشان در پشت صحنه‌های مدیریت بحران‌های مختلف (از جمله در مقاطع حساس اقتصادی، امنیتی و نظامی) این اعتماد و اطمینان را نزد فرماندهان و مسئولان پدید آورده بود که ایشان «مدیری کاربلد، صاحب‌نظر و عمیقاً آشنا به زبان، منطق و نیازهای نیروهای مسلح» هستند و می‌توانند در حساس‌ترین شرایط، زمام هدایت کل قوا را با قدرت، تدبیر و صلاحیت در دست گیرند. این ویژگی، ریسک‌های ناشی از انتقال ناگهانی فرماندهی و تغییرات گسترده در مدیریت راهبردی جنگ را به حداقل ممکن می‌رساند و آرامش و انسجام را به نیروهای مسلح و مجموعه نظام بازمی‌گرداند. طبعاً این امر در شرایط نبرد تمام‌عیار کنونی، از هر گنجینه‌ای ارزشمندتر است.

• **سوم: اقتضانات زمانه**

هر انتخاب سیاسی در بستر زمان و مکان خود معنا می‌یابد و از اقتضانات خاص آن برهه تاریخی تأثیر می‌پذیرد. انتخاب رهبر در جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. در ادامه، سه عامل اساسی مرتبط با هندسه میدان نبرد و اقتضانات منحصربه‌فرد پشاشهادت که هریک به سهم خود، انتخاب آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای را نه صرفاً یک انتخاب، بلکه یک «تعیین ضروری» و «الزام عقلایی» برای خبرگان و نظام رقم زد، تحلیل و بررسی می‌شوند.

ادامه در صفحه بعد

مرسوم برای آقااست؛ مگر وضعیّت خلاف قاعده‌ای پیش بیاید؛ وَاَلَا قاعده ایشان این است که همیشه با کتاب و مطالعه بخوانند. مطالعه ایشان از نظر تنوّع کتب و موضوعات هم بسیار گسترده و عجیب است. اگر کسی ایشان را همان زمان جوانی شان هم می‌دید، برایش جالب بود و این دیدگاه نسبت به ایشان از ناحیه افرادی که حتّی از حوزه نبودند و مثلاً در ادبیات و شعر یا حتّی در موضوعات روشن‌فکری سرشته داشتند، ابراز شده است.

• **امربه معروف ونهی‌ازمنکر**

خانم در بحث امربه معروف و نهی‌ازمنکر بسیار صریح بودند و این صراحت در پدرم نیز وجود دارد؛ مثلاً وقتی آقا ایران‌شهر تبعید بودند، یک‌بار رفته بودیم ملاقات ایشان. من کلاس سۆم دبستان بودم، ماه رمضان بود و هوا هم گرم. من می‌خواستم کتاب بخوانم؛ اما کتابی نداشتم. آقا آن موقع کلید سه تا کتابخانه شهر را داشتند، با هم رفتیم که کتاب انتخاب کنیم. در مسیر، جوانی را دیدیم که علناً ساندویچ می‌خورد؛ آقا همان جا به او تذکر دادند. حالا تصوّر کنید که آقا در آن شهر تبعید بودند؛ اما باز هم دست از نهی‌ازمنکر برنداشته بودند.